

THE NECESSITY TO VALUE CULTURAL HERITAGE IN ARCHITECTURAL EDUCATION

Karim Mardomi

Member of architectural department
Iran university of science and technology
drwardomi@yahoo.com

Asghar Mohammad Moradi

Member of architectural department
Iran university of science and technology
m-moradi@iust.ac.ir

Abstract: Prophet Mohammad peace be upon him stated: "Record and preserve the words that you hear from me and deliver it to the next generations." In this alighting statement lays indications to honor and respect the past and also value and honor the future. The effects and sparkles of identity in the past monuments and writings, especially architecture is in itself valuable, and honoring this value is respecting the present, respecting the past and respecting the future and with the misconceived aspects of it, is a source to reflect upon and an intermediary for knowledge and consciousness.

The rich Iranian architecture from the past or in other words cultural heritage is a manifestation of knowledge and revelation of truth which has the ability to enhance the extents of awareness of the educational system for teaching architecture. The educational system for teaching architecture should accumulate the beneficiary scopes of these systems of knowledge in architectural education.

Therefore architectural education system should be known in respect to the enrichment of the affiliation of architectural identity with the belief of cumulative knowledge of cultural-architectural heritage and should be known as the **metalanguage of contemporary architecture** and as a rubric for architectural education.

الزامات ارزش گذاری به میراث فرهنگی در آموزش معماری

کریم مردمی و اصغر محمد مرادی

چکیده: حضرت رسول اکرم (ص) می فرمایند: "سخنانی که از من می شنوید، ضبط و نگهداری کنید و به نسل های آینده تحویل بدهید". در این فرمایش نورانی برخی اشارات از جمله، پاسداری از ارزش و احترام به گذشته و احترام به آینده استنباط و تحصیل می شوند. جلوه های هویت در آثار گذشته، خصوصاً معماری، خود، گونه ای از ارزش است و حفظ این ارزش، احترام به امروز و احترام به گذشته و احترام به آینده است و با عناصر نااندیشیده مانده اش منبعی برای تفکر و تعقل و واسطه ای برای دانستن و آگاهی می باشد. معماری ارزشمند گذشته ایران یا به عبارتی میراث فرهنگی - معماری، این تجلی اندیشه و جلوه های حقیقت می تواند وسعت دامنه ای آگاهی نظام آموزشی آموزش معماری را افزایش دهد. نظام آموزشی آموزش معماری باید فرصت های بهره برداری از این منظومه های آگاهی را در امر آموزش معماری فراهم نماید. لذا سامانه آموزش معماری باید در جهت تقویت پیوستگی هویت معماری با باور به آگاهی مرکب از میراث فرهنگی - معماری و با توجه به ابعاد مختلف آموزشی آموزش معماری، میراث فرهنگی - معماری را به عنوان «فرازبان معماری معاصر» شناخته و آن را سرلوحه آموزش معماری قرار دهد.

واژه کلیدی: میراث فرهنگی - معماری، توسعه آموزش معماری، ابهام فرهنگی، فراموشی ملی، فرازبان معماری

تاریخ وصول: ۸۷/۱/۱۵

تاریخ تصویب: ۸۷/۶/۵

دکتر کریم مردمی، عضو هیأت علمی دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران، drwardomi@yahoo.com

دکتر اصغر محمد مرادی، عضو هیأت علمی دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران، m-moradi@iust.ac.ir

۱. مقدمه

داریوش اعلام کرد خواست خداوند در زمین آشوب نیست، بلکه صلح، نعمت و حکومت خوب است... این احساسات انسانی در نجابت و زیبایی ناب بناها تجسم یافت... و قرن‌ها بعد دستاورد ایران اسلامی بود که این شکل‌های نیرومند را تهذیب کرد و توانائی آنها را تا حد یک معماری فوق العاده زیبا رشد داد [۱] و میراثی شدگرانسنگ، که جزء ممتاز میراث بشری است.

اگر می‌گویند «هیچ ملتی نمی‌تواند گذشته خود را دور بریزد» [۲] و «گذشته زنده است و بین ما حرکت می‌کند» [۳] پس «چرا باغ فین کاشان، باغ شازده کرمان، مقبره شاه نعمت... ولی در ماهان، گودال باغچه‌های کاشان، منزل بروجردی‌ها، مسجد شیخ لطف... مورد تحلیل معمارانه قرار نمی‌گیرد... و سایر ابنیه ارزشمند ایران که دقیقاً مهد تبلور «تئوریهای نو» است فراموش می‌شود» [۴].

آیا اینطور نیست که آموزش معماری نقشی برای تبادر ارزشمند میان میراث فرهنگی - معماری در ذهن آموزش گیرندگان ایفا نکرده است؟ از طرفی مهمترین ویژگیهایی که در مورد معماری معاصر ایران در نشریات و مقالات ذکر می‌شود، عبارت است از بحران هویت، تقلید از الگوهای بیگانه و از خودبیگانگی... [۵]. لذا با یک پرسش روبرو خواهیم

شد. اگر حضور مفاهیم و جلوه‌های میراث فرهنگی - معماری در حوزه آموزش معماری بی‌رنگ یا کم‌رنگ شود، به کجا خواهیم رفت؟ کام کوسه‌ی بی هویتی معماری بیگانگان^۲ بدون شک می‌شود در این بحران قرارنگرفت، اگر با تاریخ و گذشته خود گفتگو کنیم.

۲. میراث جاویدان

«من فقط بشری همچون شما هستم [با این فرق] که به من وحی می‌شود»^۳.

الفاظی سراسر از حکمت از زبان حضرت رسول (ص) وفق امواج بیکران دریای حقیقت جاری شد و فرمودند «أُعْطِيتُ جَوَامِعَ الْكَلِمِ» یعنی خدا به من قدرتی داده است که با یک سخن کوچک یک دنیا

مطلب می‌توانم بگویم [۷]. این یعنی نزول و صدور حکمت و اصول از مراتب عالیه الهی و مصدر تحولات تاریخ بشری. در سیری از ظاهر به مقصد باطن در ساحت روحانی حدیثی از حضرت رسول اکرم (ص) که می‌فرمایند: «سخنانی که از من می‌شنوید، ضبط و نگهداری کنید و به نسل‌های آینده تحویل بدهید و بسپارید، ای بسا نسل‌های آینده و خیلی دور بهتر معنی حرف مرا بفهمند، از شما که امروز پای منبر من هستید» [۷].

در این فرمایش نورانی که منبع الهام است و آگاهی و مایه شرف این مقال، برخی اشارات و القاءات، استنباط و تحصیل می‌شوند که عبارتند از: ایجاد انگیزه، پاسداری از ارزش و حریم و حرمت آن، احترام به گذشته و احترام به آینده، عبودیت و بندگی، استمرار درون را در انتقال اصول ثابت، تعبیر و تفسیر و کشف فروعات بواسطه القاءات اصول، تعقل و نظاره بر آثار و امور، عبرت و تذکر به اصل معاد، تقرب به خدای یگانه و سایر اشارات پنهان و آشکار دیگر که وظیفه تعقل در آنها و دستیابی به مراتب تحول ممکنه و انتقال آن به نسل‌های آینده بعهد ما قرار گرفته و در حدیث نبوی بر ما چنین مقرر شده است، «برماست که اصول حرکت را بر شما القاء کنیم، و بر شماست که فروعات این اصول را استنباط و تحصیل نمائید» [۸].

تمسک به این اصول و تجلیات آن چون پرتو خورشید، افق‌های «اندیشه بشری» را که در جستجوی ارزشها است روشن و سرشار از معنی می‌نماید، انسان که صورتهائی چند از فرمایشات حضرتش یک دنیا مطلب - حجاب بر می‌کشند و اشاراتی می‌شوند برای بشارت تا در طریقی که قرآن مجید می‌فرماید «آنان که در جهت ما تلاش و کوشش نمایند راههای خود را بر آنان آشکار می‌نمائیم»^۴.

توجه به تاریخ، گذشته و آثار گذشتگان می‌تواند منظومه‌ای از آگاهی‌های ارزشمند و تجربه شده را به نسل امروز و نسل‌های بعدی منتقل نماید.

از اینرو نظام آموزشی آموزش معماری نباید فرصت بهره برداری از این منظومه‌های آگاهی را در امر آموزش معماری از دست بدهد.

۳. وحدت گذشته، حال و آینده

«در روایات اسلامی آمده است که تاریخ با حجت خدا آغاز و ختم می‌شود، پس همواره در تاریخ حجت خدا حضور دارد [۹]» لذا رجوع به تاریخ و گذشته با مفاهیم قرآنی، در دریافت حقیقت باطنی، دریافت قطعیت تحقق سنت‌های الهی، دریافت آثار استمرار سنت نبوی و دریافت تجلیات و فروعات اصول، نشانه‌ها و سایر اشارات، از اهمیت و مراتب ویژه‌ای برخوردار است و آیات کریمه قرآن مجید و سنن ربانی نبوی ناطق بر آنها و بشارت برای خردمندان، پرهیزگاران

^۲ - می‌گر (Mager) در کتاب «تدارک اهداف آموزشی» به قصه‌ای اشاره می‌کند که نتیجه اخلاقی آن این است که اگر درست ندانید کجا می‌روید ممکن است از جای دیگری سردرآورید که فکرش را هم نمی‌کردید. با توجه به نتیجه اخلاقی قصه و بهره‌برداری تمثیلی از آن، به شرح خلاصه پرداخته می‌شود.

روزی بود و روزگاری، یک اسب ماهی کوچولو بود که در دریا زندگی می‌کرد. یک روز این اسب ماهی راه افتاد تا برود سرنوشتش را پیدا کند. در مسیر به موجودات مختلفی برخورد کرد که هرکدام از آنها در ازای دریافت چند سکه وسیله‌ای به او می‌دادند که با سرعت بیشتر از قبل به سوی سرنوشتش برود، تا اینکه می‌رسد به کوسه‌ماهی.

کوسه‌ماهی گفت: هی، کوچولو، یواش. کجاداری می‌روی؟ اسب‌ماهی جواب داد: دارم می‌روم سرنوشتم را پیدا کنم. کوسه‌ماهی درحالی که به دهان باز اشاره می‌کرد گفت: شانس آوردی، چون اگر این راه میان‌بر را بگیری خیلی در وقت صرفه‌جویی می‌شود.

اسب‌ماهی گفت: «چه خوب، متشکرم» و غرغزکنان به داخل شکم کوسه‌ماهی رفت و [۶]...

^۳ - قرآن کریم، کهف، ۱۱.

^۴ - قرآن کریم، عنکبوت، ۶۹.

در رساله تیمائوس می‌خوانیم. «... شما مردمان یونان از حیث روح کودکید، زیرا روح شما از هر گونه بینشی که بر پایه تاریخ کهن استوار باشد خالی است و هیچگونه دانشی که بر اثر گذشت زمان رنگ کهنگی به خود گرفته باشد در شما نیست [۱۳]». ترجمان مطلب را لوکریئوس (۵۵۰ ق.م) چنین بیان می‌کند «از بی‌اعتنائی بشر به گذشته، می‌توان بی‌اعتنائی او را به آینده استنتاج کرد» [۱۰]. «بعبارتی می‌توان گفت حراست از گذشته، حراست از آینده است و از آنجا که انسان تنها موجودی است که هنر و زیبایی را می‌فهمد، «تصور انسان توانایی زیادی برای فهم کلی پدیده‌های گذشته دارد و میان این توانایی و قوت ابداع هنری پیوند جالبی برقرار می‌سازد» [۱۴]. از اینرو مطالعه تاریخی قطعاً رابطه معنا داری بین گذشته، حال و آینده برقرار می‌نماید و «انتقال مفاهیم از یک فرهنگ به فرهنگی دیگر و از یک زمان به زمانی دیگر برای توسعه فکری و روحی بشر حیاتی است» [۱۰].

لذا آگاهی بر امور گذشتگان و افق‌های تاریخی و انتقال مفاهیم فرهنگی از طریق میراث فرهنگی-معماری، می‌تواند بعنوان ابزارهای توسعه و تحول افق‌های دانایی و آگاهی مستمر در امر آموزش معماری قلمداد شود.

۵. میراث فرهنگی واسطه‌ای ادراک و دانائی

آثار واسطه‌ای برای دانستن ما هستند و این دانستن به ما تعلق دارد و بخشی از این آگاهی در اثر هنری در ورای پوسته ظاهری آن است که به چشم سر تعلق خاطری ندارد، بعبارتی «هر چیزی یک روح پنهان دارد که بیشتر خاموش است تا گویا [۱۵]»، که دریافت حقیقت باطنی به شرایط ویژه نیاز دارد. حافظ که خود با زبان اشارت آشناست می‌گوید آن کس است اهل بشارت که اشارت داند و دکی ریکو پایه‌گذار سبک نقاشی متافیزیک جنبه‌ای شبح‌گونه و متافیزیکی برای آن قایل است و می‌گوید که «تنها پاره‌ای معدود از افراد، آن هم در لحظه‌های بصیرت و تمرکز متافیزیکی قادر به دیدن آن هستند [۱۵]».

این، یک واقعیت پنهان است و باید حقیقت گذشته را در عالم حسن با پیمانه عقل، نه بدون ارتباط به ماورأ آن که با تعمق و تعقل در مشاهده آیات آفاقی و نظر به آیات انفسی خداوند برای برقراری ارتباط با افق‌های تاریخی و پدیده‌های مرتبط با سرشت بشری که «همواره بر مدار یک سلسله قوانین و نوامیس منظم حرکت می‌کند... و با گذشته و حال و آینده او سازگار است» [۸] جستجو نمود.

میراث یعنی آنچه که به ارث رسیده است و عموماً با تداعی گذشته همراه و معمولاً مترادف با «ارزش» بوده است. تا جایی که می‌تواند با عناصر نا اندیشیده مانده‌اش منبعی برای تفکر و تعقل و در مراتبی دیگر پیامی برای عبور از حالی به حال دیگر، حتی از محسوسی به محسوسی فراتر باشد.

... و آنان که با حضور گوش فرا می‌دهند می‌باشد و می‌فرماید: «آنها را عبرت معاصران و آیندگان و اندرزی برای پرهیزگاران گردانیدیم»^۱. متفکرین اسلامی علت اصلی رجوع به گذشته را عبرت از آن و پندی که از راه مطالعه آثار و اقوال گذشتگان حاصل آید دانسته‌اند. «عبور از محسوسی به محسوسی فراتر و به پندی که از راه مطالعه آثار و اقوال دیگران یا گذشتگان حاصل آید را عبرت گفته‌اند» [۱۰] و «متقدمان گاهی از آن معنی «تذکر» را مراد می‌کردند و گاهی حتی مقصودشان احیای رسم گذشته بود» [۱۱].

پیامبر خدا صلوات ... می‌فرماید: عبرت گیرید، که در میان پیشینیان شما درسهای عبرت است «پس، عبرت گیرید ای اهل بصیرت»^۲ و این همان هدایت است، یعنی آثار و نشانه‌ها در صورت شناخت موجب هدایت انسان می‌گردد.

دراهمیت مطالعه امور گذشته و سیر و تأمل در آن دربخشی از وصایای حضرت علی علیه السلام به حضرت امام حسن^(ع) می‌خوانیم «ای فرزند گرامی، گرچه من به اندازه همه آنان که پیش از من بوده‌اند نزیسته‌ام، اما چندان در کارهایشان نگریسته‌ام که همچون یکی از آنان شده‌ام، بلکه چندان بر امورشان آگاهی یافته‌ام که گویی با اولین تا آخرینشان زیسته‌ام»^۳.

«در حقیقت در نگاه قرآن گذشته، حال و آینده وحدت یافته و فضائی را می‌سازد ازلی - ابدی که ما در لحظه‌ای از آن به سر می‌بریم» [۱۰] و هر لحظه در ذات خودش با هزاران صور گوناگون تجلی می‌نماید، که باید چشم دل گشود تا جلوه دلدار رخ بنماید که بشارت این هدایت الهی را قرآن مجید چنین بیان می‌نماید: «آیا در زمین سیر نمی‌کنند (مطالعه آثار و آیات) تا دل‌هایی بیابند که با آن بیندیشند و گوش‌هایی بیابند که با آنها بشنوند»^۴.

از اینرو داده‌های گوناگون مرتبط با معماری گذشته، یعنی میراث فرهنگی - معماری می‌تواند مسیر شناخت و آگاهی، عبرت و هدایت را در امر آموزش معماری بسود هویت فرهنگی - معماری هموار نماید.

۴. گذشته، ابزار توسعه افق‌های دانائی

گذشته و تاریخ همواره همه محیط زندگی بشری را در بر گرفته و «اساساً بشر بالذات تاریخی است و تاریخ دارد و این همه طرح نو که می‌افکند مربوط به همین است که پروای آینده داشتن ضامن نسبت او، با حال و گذشته‌اش است. اگر بشر تاریخ و گذشته نداشت ... هیچگونه ابداعی هم نمی‌توانست بکند و بعبارت دیگر اگر گذشته نداشت آینده هم نداشت» [۱۱] یعنی «گذشته چراغ راه آینده است زیرا گذشته می‌تواند با ما سخن بگوید و ما را به درک این واقعیت رهنمون سازد که در آینده به کجا خواهیم رفت» [۱۲]

۱- قرآن کریم، بقره ۶۶

۲- قرآن کریم، حشر، ۲.

۳- نهج البلاغه، نامه ۳۱

۴- قرآن کریم، حج، ۴۶.

شاهدان زنده‌ای از سنت‌های کهن آنها برای نسلهای حاضر می‌باشند [۱۲].

وقت آن رسیده است که این شاهدان زنده ی الهام بخش را جور دیگر دید و در عظمت و غنای آن تردید نداشت و شکی در امکان ارائه یک معماری ملی، برای مطرح بودن در معماری امروز جهان نداشت. کمتر جایی از جهان و کمتر دوره‌ای از تاریخ معماری، غنای معماری ایران را دارد [۱۹].

از اینرو میراث فرهنگی - معماری تبلور منظومه‌هایی از مفاهیم «زندگی محیط» و «محیط زندگی» و نیز الهام‌بخش پیام ارزشهای گذشته می‌باشد و می‌تواند بعنوان زمینه ساز تحول در امر توسعه آموزش معماری قلمداد شود.

۷. میراث فرهنگی و مفاهیم آموزشی

«امروزه، تمایل به درک میراث فرهنگی در وسیع‌ترین مفهوم آن وجود دارد [۱۲]» در بخشی از کنوانسیون حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان ۱۹۷۲ مصوب یونسکو چنین آمده است: «... در مجموع، این ذخائر [میراث فرهنگی] نمونه، نمایانگر تنوع فوق العاده زیاد میراث جهانی هستند و در نتیجه مفاهیم ضمنی آموزشی مهمی در خود دارند [۱۲]». پیرنیا در این راستا چنین آورده است که «بناهای تاریخی هر کشور شناسنامه فرهنگ و کارنامه مردمی است که در آن زندگی می کرده اند هرچند برگهای زرین این دفتر پر ارج پراکنده، از همین پراکنده‌ها چیزهایی می‌توان گرد آورد که در هیچ دیوان پرداخته ای نیامده است [۲۰]». و «در کشوری که شاهکارهای معماری جهانی آن بیش از عدد انگشتان دست باشد بدیهی است جا دارد هنر معماری آن از دیده های گوناگون مورد بررسی قرار گیرد [۲۱]».

لذا شایسته است مجموعه این دیوان بی بدیل، میراث فرهنگی - معماری با نگاه تخصصی و تحلیلی در سامانه آموزشی آموزش معماری بررسی و بدان پرداخته شود.

نصر می‌گوید «تیاکان ایرانی ما ... به خلق هنری «بی‌زمان» پرداختند که با ابدیت پیوند داشت و به موجب همین پیوستگی، ارزش و اعتباری جاودانه یافت [۲۲]» و آیین‌های شد برای انعکاس عالم معنا و از همین نگاه است که باید اولاً هنر پیشینیان یا میراث فرهنگی این آب و خاک را مشتاقانه «دید» باید «خواند» باید «شنید» و باید «فهمید» و امیدوارانه الهام گرفت از: میدان نقش جهان، مسجد کبود، معبد چغازنبیل، باغ فین، هشت بهشت، شاه نعمت‌... ولی و ... و ثانیاً سامانه حافظه تاریخی ذهن را باید طوری سامان داد که حافظ مقتدر هویت فرهنگی - معماری کشور باشد، که مورد اخیر راه را بسود مورد اول هموار خواهد نمود و بای خواهد شد برای ورود به فضای اندیشه تاریخی - معماری و درک ملکوت «معماری هنر ایران».

تجلیات رمزی و اصالت‌های نهفته در بطن و متن شیء تاریخی (میراث فرهنگی - معماری) است که ما را به گذشته و پیام عمیق بیان گرانه‌اش دعوت می‌کند. فیلدن می‌گوید: «یک بنای تاریخی پیامی هنری و انسانی دارد که با مطالعه تاریخی آن آشکار می‌گردد [۱۰]» و این همان زنجیره اتصال و نوعی آگاهی است، که انسان را از وجود آن آگاهی، از طریق برانگیختن احساسات و عواطف انسانی دگرگون می‌نماید و موجب ادراک و نوعی تماس روانی غریب با آن اثر می‌شود که یونگ آن را با اصطلاح «هم زبانی رازآمیز»^۱ معنا کرده است که به ایجاد رابطه و دعوت به نوعی گفت‌وگو با اثر می‌انجامد، و امکان توسعه فرهنگی و پدیداری یکپارچگی ارزشهای بشری را فراهم می‌نماید.

از اینرو حضور ارزشهای میراث فرهنگی - معماری می‌تواند در توسعه و تحول افق‌های دانایی و آگاهی در امر آموزش معماری نقش مؤثر ایفا نموده و بعنوان واسطه‌ی دانایی‌ها و آگاهی‌های ما قلمداد شود.

۶. زندگی محیط و محیط زندگی

«چشم‌ها را باید شست» [۱۶]، نه برای اینکه جور دیگر دید، که برای دیدن امتداد ظریف و عمیق هویت و برای دیدن الگوها و ارزشهای هنر معماری ایران که تبلوری است از حضور برجسته‌ی پنهان و آشکار مفاهیم «زندگی محیط»^۲ و «محیط زندگی»، از آن رو که جلوه‌گاههایی از واقعیات و حقیقت‌اند و منظومه‌ای هستند از آگاهی و برای تداوم آگاهی، انسان که «می‌توان راه آینده را با نگاهی تحلیلی به گذشته ترسیم و گذشته را نیز در آینده فعال کرد [۱۷]». آندره گدار می‌گوید: «عالی‌ترین هنر ایرانی، به معنی حقیقی هنر، همیشه معماری آن بوده است، این برتری نه تنها در دوره‌های هخامنشیان، پارت‌ها و ساسانیان که آثار ساختمانی‌شان را می‌شناسیم محقق است، بلکه در مورد دوره اسلامی ایران هم صادق است [۱۸]» و برآستی معماری این دوره از جمله غنی‌ترین زمینه‌های تجلی هنر اسلامی بوده و از ارکان میراث فرهنگی - معماری کشورمان محسوب می‌شود.

در مقدمه منشور ونیز ۱۹۶۴ می‌خوانیم «امروزه همگان تأیید می‌کنند که حراست از این میراث برای نسلهای آینده مسئولیت مشترک همه ما است. ما موظفیم میراث مشترک را در کمال اصالت آن به نسلهای آینده بسپاریم [۱۲]» که مورد اخیر با قوانین کشورهای عضو «کنوانسیون حمایت از میراث فرهنگی» همسویی دارد. در جای دیگری از همین مقدمه آمده است «یادمانهای تاریخی بجای مانده از نسلهای پیشین، الهام‌بخش پیام گذشته‌اند و همچون

^۱. participation mystique

^۲ - منظور از زندگی محیط، فضای حاصل از تعامل فضای زمان تاریخی و مکان تاریخی و مجموعه پنهان و آشکار عناصر زیستی است. زندگی محیط ابزار دستیابی به یک سطح بالاتر آگاهی است.

آن بشناسد، بلکه از آن برای غنای اطلاعاتی طراحی امروزی بهره-گیرد [۲۵].

از اینرو:

الف) در فرآیند آموزش معماری برای غنای اطلاعاتی طراحی امروزی، «میراث فرهنگی - معماری» را مشتاقانه باید «دید» باید «خواند» باید «شنید» و باید «فهمید».

ب) الزام نگاه عمیق و تخصصی به میراث فرهنگی - معماری در فرآیند آموزش معماری، وفق محورهای بشرح ذیل، یک ارزش دو سویه قلمداد گردیده و می‌تواند:

- منظومه‌ای از آگاهیهای ارزشمند و تجربه شده را به نسل امروز و نسلهای بعدی منتقل نماید.
- منبع الهامی مطمئن و مجرب برای هنرمندان و مخاطبین باشد.
- در شخصیت فردی، اجتماعی و حرفه‌ای معماران تأثیری مثبت و راه‌گشا بگذارد.
- ضمن تبیین اصول ماندگار، راه‌گشای ابداعات و نوآوریهای اصیل باشد.
- در احیای ارزشهای معماری و بهره‌برداری از تجربیات گذشته مؤثر باشد.
- در بازنده‌سازی فضاهای تاریخی و تعامل مناسب و بهره‌برداری مفید از آنها نقش مؤثر داشته باشد.
- منابع و نقاط مرجع آموزشی و معنوی را افزایش دهد.
- موجب برانگیختن احساسات و عواطف انسانی و موجب ادراک و رشد آگاهی شود.
- در تقویت انگیزه‌های ملی و بومی مؤثر باشد.
- در دریافت الگوهای مناسب زیستی و محیطی نقش مؤثر داشته باشد.

• در توسعه و تحول افق‌های دانایی و آگاهی مؤثر باشد.

بنابراین ارزش‌گذاری به میراث فرهنگی - معماری در آموزش معماری در تحول ساختارهای هویت فرهنگی - معماری - آموزشی نقش اساسی دارد. و از طرفی چالشهای مرتبط با میراث فرهنگی - معماری در سامانه آموزش معماری مسیر رمزگشایی و دستیابی به ارزشهای نهفته آن را هموار خواهند نمود، که این خود نیز، در تحول ساختارهای هویت فرهنگی - معماری و همچنین توسعه آموزش معماری نقش فعال و مؤثری خواهد داشت و در اینصورت است که معماری ما فرهنگ ما می‌شود.

از این رو اعلام می‌نماید: همانگونه که معناشناسان، فرازان^۲ را در توصیف زبان بکار می‌برند، میراث فرهنگی - معماری ایران را می‌توان یک «فرازان معماری» دانست که باید برای توصیف زبان و بیان معماری امروز کشور بکار برده شود، البته نه با تقلید. «زیرا با تقلید تاریخ ساخته نمی‌شود [۹].»

«معماری هنر ایران» که در «هنر معماری ایران» تبلور یافته است، تجلی اندیشه و جلوه حقیقت و واقعیت است و می‌تواند ضمن ایجاد و تقویت زمینه پیوستگی فرهنگی - آموزشی، با ارزشهای جاودانه‌ی نهفته‌ی آن، نقاط مرجع ما را در امر آموزش معماری افزایش دهد.

از اینرو چون بورکهارت بگوئیم: «... بیائید عناصر جاودانه در هنر پیشینیان خود را جستجو کنیم [۲۳]» انسان که نگاه به گذشته و اصول ارزشهای آشکار و نهان زمینه‌های آموزشی میراث فرهنگی در آموزش معماری در معرض رنگبختگی قرارگیرد و یا بیش از این قرارگیرد، که حافظه مدارس معماری در ارتباط با موضوع اخیر (میراث فرهنگی - معماری) دچار ابهام فرهنگی گردد، که در اینصورت آنچه را که خود دارد نمی‌بیند و از بیگانه تمنا می‌کند. اصولاً «وقتی جامعه‌ای از گذشته‌اش، گذشته فکری‌اش برید ... محصولش غیر خودی و بر علیه خودش است [۲۴].»

از اینرو میراث فرهنگی - معماری به عنوان منبع و مرجع اساسی آموزشی آموزش معماری قلمداد می‌شود و می‌تواند زمینه پیوستگی هویت ما را فراهم نماید.

لذا باید در خصوص حراست از گذشته و حراست از آینده دچار «فراموشی ملی» نشویم و با باور به آگاهی مرکب^۱ از میراث فرهنگی - معماری در جهت تقویت ریشه‌های فرهنگی آموزش معماری و تسری کیفیت آن به نسل‌های امروز و فردای این مرز و بوم باید «یاد گرفت» و «یاد داد».

۸. نتیجه

همانطور که قبلاً نیز اشاره شد، «امروزه تمایل به درک میراث فرهنگی در وسیع‌ترین مفهوم آن وجود دارد [۱۲].»

درک میراث فرهنگی در وسیع‌ترین مفهوم آن، به درکی ظریف، عمیق، وسیع و جامع و همچنین به ساختاری فاخر، پیچیده و آموزشی اشاره دارد.

ارزشهای نهفته در پهنه‌ی وسیع بنیانهای پدیداری میراث فرهنگی - معماری که طیفی از تعاملات، در تعادل هماهنگی کارکردهای «محیط زندگی» و «زندگی محیط» می‌باشند، چون رازهای تاریخی سر به مهری هستند و شایسته است در فرآیند آموزشی آموزش معماری بسود هویت فرهنگی - معماری کشور درک، رمز گشائی و ارزش‌گذاری شوند.

در یکی از بندهای متن لایحه پیشنهاد تشکیل سازمان میراث فرهنگی آمده است «ماده واحد - به وزارت فرهنگ و آموزش عالی اجازه داده می‌شود به منظور: الف- مطالعه و تحقیق در آثار باقیمانده از گذشتگان جهت معرفی ارزشهای نهفته در آنها ... سازمانی به نام سازمان میراث فرهنگی کشور ... تشکیل دهد [۱۰].» و بلحاظ همین ارزشهای نهفته است که «از دانشجوی طراحی، امروز خواسته می‌شود که کار تاریخی را نه تنها به دلیل ارزشهای خود

^۱- چیزی که درباره‌اش می‌دانیم و تماش را نمی‌دانیم

^۲. metalanguage

منابع

- [۱۷] محمدمرادی، اصغر، روند حفاظت در ایران از تأسیس اداره عتیقات تا قبل از انقلاب اسلامی، فصلنامه هفت شهر، شماره ۱۱، تهران، ۱۳۸۴.
- [۱۸] گذار، آندره، هنر ایران، ترجمه بهروزحبیبی، نشر دانشگاه ملی ایران، تهران، ۱۳۵۸.
- [۱۹] میرمیران، هادی، میزگرد درباره معماری امروز - معماری ماندگار، مجله معماری و شهرسازی، شماره ۵۱/۵۰، تهران، ۱۳۷۸.
- [۲۰] پیرنیا، محمدکریم، بناهای تاریخی هر کشور در حکم شناسنامه‌های فرهنگی، مجله هنر و معماری، شماره ۱۷، تهران، ۱۳۵۲.
- [۲۱] مصطفوی، محمدتقی، استمرار هنر معماری در ایران، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۵۰.
- [۲۲] نصر، حسین، هنر قدسی در فرهنگ ایران، مقاله در جاودانگی و هنر، ترجمه: محمد آوینی، انتشارات برگ، تهران، ۱۳۷۰.
- [۲۳] تیتوس، بورکهارت، نقش هنرهای زیبا در نظام آموزشی معماری، مقاله در جاودانگی و هنر، ترجمه محمد آوینی، انتشارات برگ، تهران، ۱۳۷۰.
- [۲۴] آیت‌الله‌زاده شیرازی، باقر، سیری در شناخت هنر معماری ایران، فصلنامه هنر، شماره ۱، تهران، ۱۳۶۱.
- [۲۵] لاوسون، برایان، طراحان چگونه می‌اندیشند، ترجمه: حمید ندیمی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۸۴.
- [۱] پوپ، آرتور، معماری ایران، ترجمه: غلامحسین افشاری، نشر اختران، تهران، ۱۳۸۴.
- [۲] مجتهد شبستری، محمد، هرمنوتیک، کتاب و سنت، انتشارات طرح نو، تهران، ۱۳۷۷.
- [۳] گیدئون، زیگفرید، معماری، شما و من، ترجمه: اکبر میر مطهر، نشر رز، تهران، ۱۳۵۴.
- [۴] ساعدسمیعی، اصغر، سازمان آموزش گروه معماری، در مجموعه مقالات دومین همایش آموزش معماری، ویراسته سید امیر محمودی، نشر نگاه امروز، تهران، ۱۳۸۴.
- [۵] تقی‌زاده، محمد، رابطه فضای فکری و آموزش معماری، در مجموعه مقالات دومین همایش آموزش معماری، ویراسته: سید امیر محمودی، نشر نگاه امروز، تهران، ۱۳۸۴.
- [۶] می‌گر، رابرت، تدارک هدفهای آموزشی، ترجمه: بهرام زنگنه، شمشیری، محمد حسین، دانشگاه آزاد ایران، تهران، ۱۳۵۵.
- [۷] مطهری، مرتضی، سیری در سیره نبوی، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۶۶.
- [۸] جوادی آملی، شریعت در آئینه معرفت، مرکز نشر فرهنگی رجاء، تهران، ۱۳۷۳.
- [۹] مددپور، محمد، حکمت انسی و زیبایی‌شناسی عرفانی هنر اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، تهران، ۱۳۸۴.
- [۱۰] حجت، مهدی، میراث فرهنگی در ایران، نشر سازمان میراث فرهنگی، تهران، ۱۳۸۰.
- [۱۱] داوری اردکانی، رضا، اوتوبی و عصر تجدد، نشر ساقی، تهران، ۱۳۷۹.
- [۱۲] فیلدن، برنارد، یوکیلتو، یوکا، رهنمودهای مدیریت برای محوطه‌های میراث فرهنگی جهان، ترجمه: سوسن چراغچی، ناشر سازمان میراث فرهنگی، تهران، ۱۳۸۲.
- [۱۳] افلاطون، تیمائوس و کریتیاس، ترجمه: محمدحسن لطفی، نشر خوارزمی، تهران، ۱۳۵۱.
- [۱۴] گروت، لیندا، وانگ، دیوید، روش‌های تحقیق در معماری، ترجمه: علیرضا عینی‌فر، نشر دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۴.
- [۱۵] گوستاو یونگ، کارل، انسان و سمبول‌هایش، ترجمه محمود سلطانی، نشر جام، تهران، ۱۳۷۸.
- [۱۶] سپهری، سهراب، هشت کتاب، ناشر کتابخانه طهوری، تهران، ۱۳۶۱.